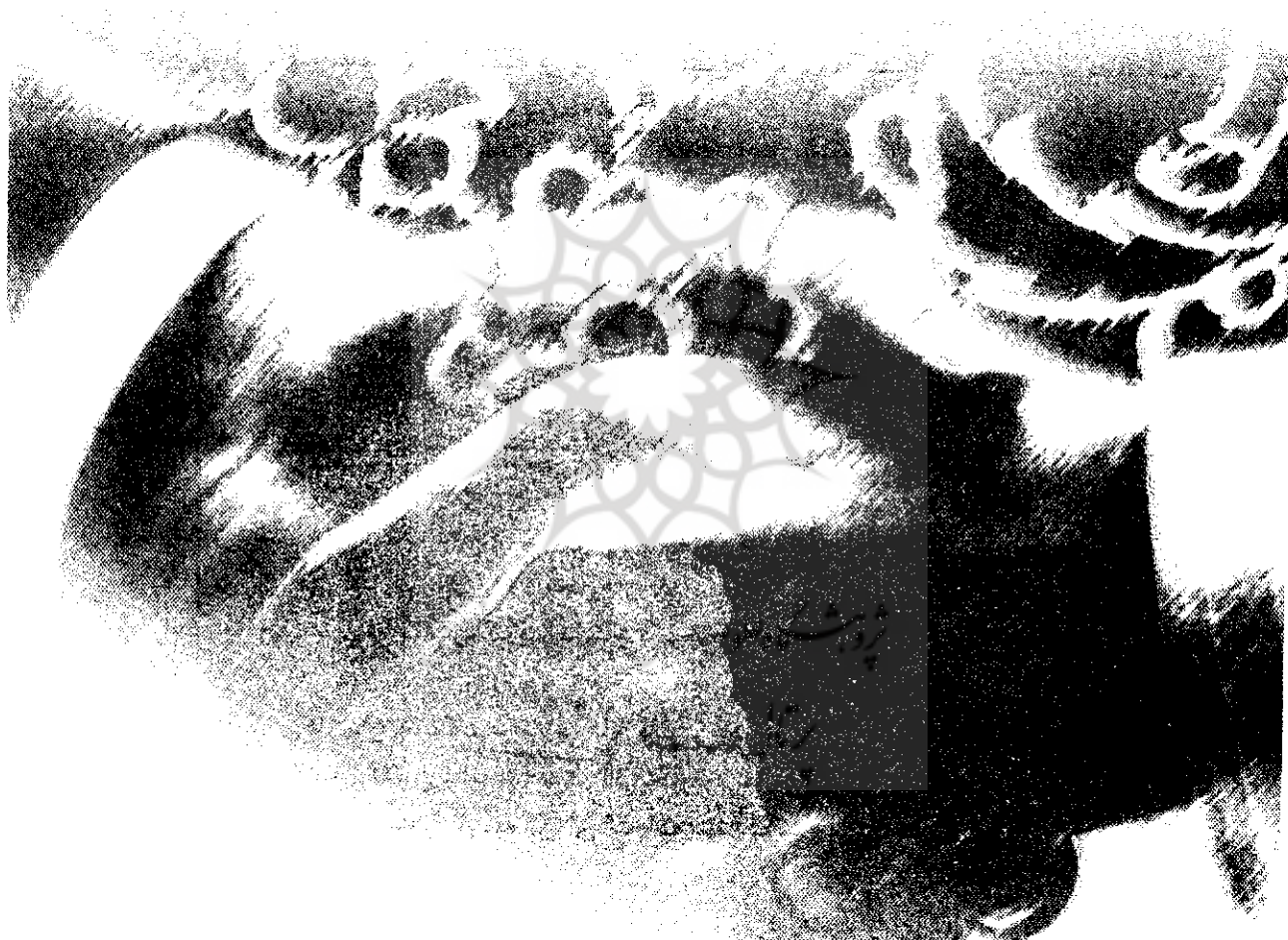


# همکاری اولیا و مربیان و بهترین هدیه روز معلم



بزرگداشت مقام معلم، دیگری معلم و عصر دانایی و سومی سال جهانی فیزیک. هر یک از این جلسه‌ها به تناسب موضوع، با همکاری اولیای دانش‌آموزان، معلمان، مسئولان اداری آموزش و پرورش و دانش‌آموزان برگزار شده بود که بعضی مفصل و پرشکوه و برخی ساده و با صفا بود.

بزرگداشت مقام معلم، مانند بزرگداشت هر فرد و جمع مؤثر و خدمتگزار جامعه، وظیفه هر انسان آزاده‌ای است که

اسفندیار معتمدی

مؤلف و کارشناس آموزش علوم

نیمه اول اردیبهشت ماه برایم روزهایی پرکار و با نشاط بود، زیرا در چندین جلسه پرشور و پویا شرکت داشتم. این جلسه‌ها با سه موضوع جداگانه تشکیل شده بود: یکی

آموزش دیده و پرورش یافته است. سال هاست که روز و هفته‌ای را برای این کار اختصاص داده، در آن با تشکیل جلسه‌ای و دادن هدیه‌ای، مقام معلمان را گرامی می‌داریم. از این نوع جلسه‌ها در همه مدارس و مناطق و سازمان‌های آموزش و پرورش برگزار می‌شود که رسمی‌ترین آن در روز ۱۲ اردیبهشت ماه و با حضور رئیس جمهوری در تهران تشکیل می‌گردد و در آن معلمان نمونه کشور شرکت دارند و با دریافت هدیه‌ای مورد تشویق و قدردانی قرار می‌گیرند.

تشکیل یکی از جلسات گرامی‌داشت مقام معلم در سازمان آموزش و پرورش اصفهان با مقدمه‌ای آغاز شد که بسیار هشدار دهنده و در عین حال امیدبخش بود. مقدمه جلسه بزرگداشت مقام معلم در اصفهان، همایشی بود که به مدت دور روز در مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان برگزار گردید. شرکت‌کنندگان در این همایش معلمان نمونه مناطق سراسر استان (حدود ۴۰ منطقه آموزشی) بودند. موضوع این همایش، «معلم در عصر دانایی» انتخاب شده بود و از استادان و معلمان خواسته شده بود که مقالاتی ارسال کنند و زمینه لازم را برای بحث و تبادل نظر درباره موضوعاتی چون: مدیریت کلاس، مهارت‌های مورد نیاز معلمان، ویژگی‌های معلم در عصر دانایی، انتظارات دانش‌آموزان از معلمان و آموزش و پرورش آرمانی در جامعه دانایی محور، به وجود آورند.

در همایش یاد شده که حدود چهارصد نفر از آماده‌ترین و آگاه‌ترین معلمان و استادان تعلیم و تربیت شرکت داشتند، ابتدا آقای جنتیان مسئول همایش و معاون سازمان آموزش و پرورش اصفهان سخنانی درباره هدف از تشکیل همایش، کارهای انجام شده و استقبال معلمان و استادان را بر شمرد و آن‌گاه آقای دکتر علی محمد کاردان، استاد تعلیم و تربیت، به ایراد سخن پرداخت.

آقای دکتر کاردان در ارتباط با دانایی و جامعه دانایی محور فرمودند: از مفهوم واژه دانایی، توانایی و علم و اخلاق استنباط می‌شود: «توانا بود، هر که دانا بود.» جامعه دانایی محور، جامعه‌ای است که در آن اساس کار بر علم و دانش و ارزش و اخلاق استوار است. در جامعه دانایی محور، اطلاعات در دسترس همگان قرار دارد و همه افراد در تولید علم و اندیشه سهیم‌اند. در چنین جامعه‌ای علم برای عمل است. جامعه، عشق به تحقیق و دانایی دارد و هر کس می‌خواهد به حق و

حقیقت که نشانه‌ای از خداست، برسد و کمال یابد. زمینه تحقیق برای همگان فراهم است و افراد در جامعه دانایی محور، خلاق و نوآوردند و می‌توانند از فناوری‌های ارزان قیمت و ذخیره‌سازی اطلاعات و انتقال آن‌ها استفاده کنند. جامعه‌ای دانایی محور است که افراد آن مدام در حال یادگیری باشند و آموزش مادام‌العمر در آن صورت گیرد.

### «چنین گفت پیغمبر راستگوی»

#### ز گهواره تا گور دانش بجوی»

آقای دکتر کاردان در ادامه سخنانش گفت:

تا جامعه انسان شایسته نپرورد، جامعه سالم نخواهیم داشت و به جامعه دانایی محور نخواهیم رسید؛ و انسان‌های شایسته را معلمان آگاه تربیت می‌کنند. معلمان آگاه، دانشمندان تربیت نمی‌کنند، بلکه دانش پژوه می‌پرورند. دانشمندان، اطلاعات را به ذهن خود منتقل کرده و انبار اطلاعات شده‌اند، در صورتی که دانش پژوهان دائماً در اندیشه افزایش و تولید علم‌اند. دانش پژوه، به اطلاعات کنونی اکتفا نمی‌کند و دارای روحیه انتقادی است. او در همه مسائل نقادانه عمل می‌کند، تلاش در جهت اصلاح جامعه دارد و در بهبود جامعه می‌کوشد. دانش پژوه، هم اندیش دیگران است و همکاری و همیاری می‌کند. در چنین جامعه‌ای، معلم، دانش پژوهی است که با مردم اجتماعی که کودکانشان را تربیت می‌کند در ارتباط است، روشنفکر جامعه خویش است، در امور جامعه دخالت می‌کند، فرهنگ اجتماعی را بالا می‌برد، در اصول عقاید خود قادر به تأمل است، در تربیت عامه شرکت می‌کند و آن را از تکالیف خویش می‌داند. خوشبختانه، جامعه دانایی محور در ایران در حال شکل‌گیری است و معلمانی که برای رسیدن به چنین جامعه‌ای می‌کوشند، روز به روز افزایش می‌یابند و از این رو باید زمینه کار را بیش‌تر فراهم آورد. از این نکته نباید غافل بود که سرعت تغییرات اجتماعی بسیار زیاد است و لازم است معلمان دائماً خود را نوسازی کنند.

دیگر سخنرانان این همایش که از استادان دانشگاه یا از معلمان بودند، آخرین اطلاعات مربوط به آموزش و پرورش آرمانی، جامعه دانایی محور و ویژگی‌های معلم سازنده را بر شمردند و به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداختند.

پرسش‌هایی که در این همایش مطرح شد، گرچه بخش عمده آن‌ها مربوط به نیازهای اولیه معلمان و مسائل معیشتی

مجلس بزرگداشت دیگری که در آن شرکت داشتم مربوط به دبیرستان هاجر در منطقه ۷ سازمان آموزش و پرورش شهر تهران بود. با همت مدیر کوشا و پرتوان مدرسه، خانم استاد محمدعلی و اعضای پر تلاش انجمن اولیا و مربیان، از کلیه دبیران شاغل و بازنشسته دبیرستان (حدود ۶۰ نفر)، برای دید و بازدید و صرف ناهار دعوت به عمل آمده بود و برای هر یک تقدیرنامه و پاداشی منظور شده بود. فضای فیزیکی بسیار زیبای خانه معلم منطقه یک تهران و شور و شوق معلمان از شرکت در جمع و دیدار یکدیگر، روحیه‌ای شاد و پرنشاط به وجود آورده بود که امید است این

بود، لیکن در میان آن‌ها پرسش‌هایی درباره مسئولیت‌های مهم معلم امروز وجود داشت که امیدبخش بود. مطرح کنندگان این قبیل سؤالات نه فقط می‌خواستند ویژگی‌های معلم امروز را بشناسند، بلکه علاقه‌مند بودند برای رسیدن به توسعه پایدار راهی بیابند.

در پرسش بعضی از معلمان شکایت از آن بود که: هر سال گروهی وارد عرصه تعلیم و تربیت و تدریس می‌شوند که آموزش معلمی ندیده‌اند. افرادی در ادارات ستادی مشغول کارند که پیش از آن معلم نبوده، با مسائل آموزش و پرورش آشنایی ندارند. بعضی از دروس و محتوای برخی از

در جامعه دانایی محور، اطلاعات در دسترس همگان قرار دارد و همه افراد در تولید علم و اندیشه سهیم‌اند. در چنین جامعه‌ای علم برای عمل است. جامعه، عشق به تحقیق و دانایی دارد و هر کس می‌خواهد به حق و حقیقت که نشانه‌ای از خداست، برسد و کمال یابد.

حالت در همه معلمان و در همه کلاس‌های درس همواره جریان داشته باشد.

اما بهترین هدیه‌ای که در روز معلم گرفتم، در اردیبهشت ماه همین سال بود. در جلسه‌ای حضور یافتم که تنی چند از همکاران جدید و قدیم و عده‌ای از دانش‌آموختگان دبیرستان نیکان تهران در آن شرکت داشتند. پس از سخنانی که درباره مسائل آموزشی بیان گردید و شام ساده‌ای که صرف شد، در هنگام خروج از جلسه، آقای مهندس وحید صباغیان که از دانش‌آموختگان سال‌های پیش مدرسه و اکنون مهندس و مدیر یک شرکت ساختمانی است، پیش آمد و احترام کرد و پوشه‌ای را به دستم داد که پاداش خدمت ۴۵ ساله‌ام بود. مطالب مندرج در پوشه مورد بحث حاکی از آن بود که دانش‌آموختگان آن سال مدرسه، پس از پایان تحصیل از هم نگسسته‌اند و جمع و همدلی خود را محفوظ داشته، یک بنیاد نیکوکاری به نام «همره» تأسیس کرده‌اند و به پاس محبت و خدمتی که از جامعه دیده و به این پایه از علم و

کتاب‌های درسی به زندگی حال و آینده دانش‌آموزان مربوط نبوده، در پیشرفت جامعه مؤثر نیستند. امکانات بعضی از دانش‌آموزان در دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های جدید بیش از معلمان است و پرسش‌هایی در کلاس‌های درس مطرح می‌شود که معلمان قادر به پاسخ‌گویی و راهنمایی نیستند و...

همایش دو روزه و بحث و بررسی‌هایی که درباره موضوع بسیار مهم وظایف و تکالیف معلمان صورت گرفت، بسیار مؤثر بود؛ به طوری که وقتی شرکت‌کنندگان در همایش به همراه پیش‌کسوتان ۴۰ منطقه آموزش و پرورش استان در جلسه بزرگداشت مقام معلم حضور یافتند، در نگاهشان احساس مسئولیت دیده می‌شد. این احساس مسئولیت راکم و بیش در همه مدارس و مناطق و سازمان‌های آموزشی کشور می‌توان دید و امید داشت که ما هم به سوی جامعه‌دانایی محور گام برخواهیم داشت.

\*\*\*

بسیار پسندیده این گروه که مدتی با آن‌ها در یک کلاس درس بودم، روح تازه‌ای در من دمیده است. این، بهترین هدیه‌ای است که در سراسر عمر معلمی خود دریافت کرده‌ام، زیرا بدین ترتیب مشخص گردید که مدرسه فقط در اندیشه انتقال دانش نبوده، بلکه نگرش‌های انسانی را نیز در دانش آموختگان پرورش داده است.

**تا جامعه انسان شایسته نیرورد،  
جامعه سالم نخواهیم داشت  
و به جامعه دانایی محور  
نخواهیم رسید؛ و انسان‌های  
شایسته را معلمان آگاه تربیت  
می‌کنند.**

معرفت رسیده‌اند، به تأسیس مدارس و خانه‌های بهداشت، کتابخانه و... در سراسر کشور دست زده‌اند که آخرین اقدام آن‌ها ساختن سه مدرسه در شهر زلزله زده بم است. در بخشی از مطالب آن پوشه چنین آمده بود:

«سال‌ها می‌گذرد، از آن روزهایی که روی نیمکت‌های مدرسه کنار هم می‌نشستیم و معلم به ما درس محبت می‌داد، محبت به هم، ما در مدارس خوبی درس خواندیم و خداوند نعمت‌های فراوانی به ما ارزانی داشت که شکر یکی از هزاران را نتوانیم کرد.

اینک که سال‌ها از آن دوران می‌گذرد، می‌خواهیم دیگران نیز طعم محبت و آسایش را بچشند که فرمود: «و احسن کما احسن الله الیک». (سوره قصص، آیه ۷۷)

پس با یاری دوستان هم دوره تصمیم گرفتیم تا در حد توان، به انجام امور عام‌المنفعه و ساخت ابنیه زیربنایی با محوریت مدرسه‌سازی در روستاها و مناطق محروم یا حادثه دیده بپردازیم. شاید بدین ترتیب بتوانیم گوشه‌ای از معضلات جامعه، همچون مهاجرت به شهرهای بزرگ، بیکاری، اعتیاد، فقر فرهنگی و... را کمرنگ کنیم.»

دریافت این هدیه و آگاهی از کار

